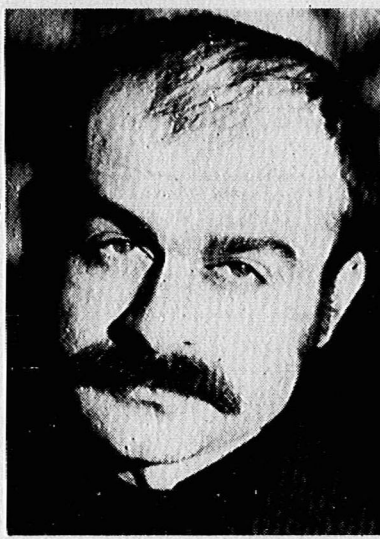


مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

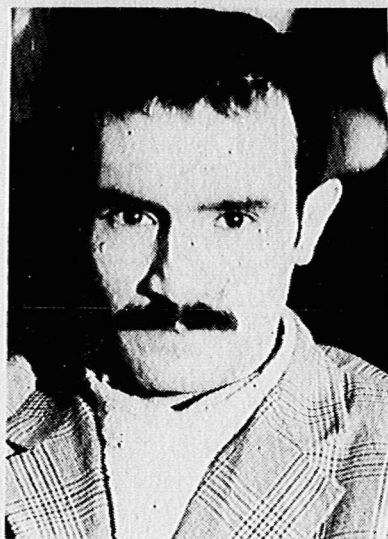
دوره هفتم ، سال اول ، شماره ۱۶۹
پخشیه ۲۸ بهمن ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ ریال



۶ سال از شهادت خسرو گلرخی و کرامت الله دانشیان گذشت گل پرپر ایران گلرخی...

کرامت و خسرو ،
بیدادگاه نظامی شاه
را به دادگاه محاکمه
رژیم تبدیل کردند.

منه ۴



احسان طبری

توده‌های

منظمی روشن چو خورشید درخشان بر زیانت
در کف ایثار : چانت
تو ، رفیق راستین خلق
نامت : «توده‌ای»
آمدی از راه پیماپیچ ...

از صبوری‌های دیر انجام
از بروغ ، از سست پیمانی ،
از گلوله ،
از شکنجه ، و آن مصیبت‌ها که می‌دانی
سینه آذین کرده از زخمان خون افشان ...

پرتوی امید را از تنگنای غم رهاندن
در خموش کلبه‌های آرزومندی فشانن
در طلب فرسوده
اما

در قبال داور وجدان خود آسوده بودن
کار دشواری است بگریزی ،
سزاوار ستودن !

لشگری پر کینه را بر خود بشویند
آنکه مردم را بسوی حق فراخواند
(کاشان افسون گر تاریخ این را نیک میداند !)

این تکامل ، ای شما : صدما ، هزاران ،
آتش هفتلست‌گوئی
خواستار جان سپاران ...

تا بسوزد جسمشان در کوره اسرار خود
و ایست ؛
وقف این آتش نمودی هستی پر بار خود

آه! آه ای ایزد تاریخ، ای یار توان بخش عدالت !
تیربار رزم را هفتان رویش به تن کن !
یاور خلق و وطن را
درخور خلق و وطن کن !

بهمن ماه ۱۳۵۸

آتش زدن «مجاهد» را شدیداً محکوم می کنیم

شدا انقلاب فعالیت گسترده‌ای را در سراسر ایران علیه
نیروهای انقلابی سازمان داده است و با استفاده از امکانات وسیعی،
پوشش به کتا پفروشی‌ها و دفتر سازمانهای مترقی را دنبال میکند.
چند روز پیش «مجاهد» شدا انقلابی، که مدتی است سازمان
مجاهدین خلق ایران را هدایت می‌کند و حیثیت خود را فدای
به کاراوری که روزنامه مجاهد، ارگان سازمان مجاهدین خلق ایران
از آنجا به شهرستان فرستاده میشد، حمله کردند و تمامی محموله
مجاهد را به آتش کشیدند.

بر اساس آخرین اخبار رسیده مجاهدین شاشانی ۶۰ هزار
نسخه روزنامه مجاهد را در این کارا از آتش زود و در جریان آتش-
سوزی تمام نسخه‌های ارگان مجاهدین سوخت و از میان رس.

این عمل وحشیانه، همانطور که بارها اعلام داشته‌ایم،
بهمکان توسط عمال ساواک و عناصر راست افراطی سازمان داده شده
تا جهت مبارزه را تغییر دهند و نیروی سازمان‌های انقلابی و مترقی
را صرف مبارزه داخلی کنند و باین ترتیب امریالیس آمریکا را از
زیر ضربه خارج نمایند. متأسفانه مقامات مسئول با سکوت خود
میدان را برای اینگونه اعمال باز گذاشته‌اند و شدا انقلاب پس
استفاده از فرصت، عملیات وحشیانه خود را علیه انقلابیان راستین
تجدید کرده‌است.

حزب توده ایران، با بدیگری شدیداً این عمل و اعمالی از این
دست را محکوم میکند و خواستار شاشانی، تمقیب و مجازات کسانی
است که ارگان سازمان مجاهدین خلق ایران را به آتش کشیده‌اند.

ما هشدار خود را در مورد توطئه ضد انقلاب در تبریز تکرار میکنیم

در «مردم» شماره ۱۶۷،
مورخ ۲۵ بهمن‌ماه، هشدار دادیم
که شدا انقلاب در تبریز در تدارک
توطئه تازه‌ای است. اخبار رسیده
یادریکی این هشدار را تأیید و
تأکید میکنند.
با مصلحت حزب جمهوری
خلق مسلمان برای سرزمین
راه‌پیمایی روز ۲۹ بهمن‌ماه، که
به مناسبت سالگرد روز تازی و
خونین ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ انجام
میکرد، تدارک در برخی کمیته‌ها
علاوه بر این با مصلحت حزب
جمهوری خلق مسلمان به عوامل
خود - از جمله در برخی کمیته‌ها -
دستور داده است که اعلامیه‌ها و
پوسترهای حزب توده ایران و
سایر نیروهای انقلابی را پاره
کنند.

ما توجه خاص مقامات مسئول
را به این تدارک و افعال
شدا انقلابی جلب میکنیم و خواستار
اقدام جدی و فوری برای غیب-
گذاشتن آن هستیم.

در باره «مردم» امروز

دیشب، قطع چند ساعته برق
در قسمتی از تهران و از جمله در
چاپخانه‌ای که «مردم» در آن چاپ
میشود، باعث شد که رفاقی چاپخانه
توانند آتلور که باید از همد
تنظیم صفحات روزنامه و هر چه
کلیه مقالات تهیه شده بر آید و
در نتیجه روزنامه امروز، در ۳
صفحه و با تغییراتی در نحوه عرضه
مطالب، همراه است. از خوانندگان
پویش می‌طلبیم.

توجه!

رفا و هواداران حزب که
امکاناتی برای فعالیت انتهابانی
بسود با مزدی حزب در تهران
و شهرستان‌ها دارند، لطفاً همواره
از ساعت ۹ تا ۱۸ در دبیرخانه
حزب به سعاد انتهابانی مراجعه
کنند.

• هرسال صدها زحمتکش ایرانی قربانی سیل و زلزله میشوند

سیل خائنانه برانداز در جنوب کشور عزیزمان خانه‌های
زیادی را ویران کرد. طبق آخرین اخبار رسیده، ۲۰۰۰ زحمتکش
ایرانی قربانی سیل شدند.
خبرهایی که از جنوب ایران میرسد، قلب هر ایرانی وطن
دوستی را سخت آزرده می‌کند. ۲۰۰۰۰ کیلومتر از جنوب
زیر آب رفته است. ۹۰۰ درصد شهرها روستاها
زیر آب رفته‌اند، ۱۰۰۰۰ خانه‌های حصری و شهر در هم کوبیده
شده است. «خط آهن جنوب در چند منطقه، زیر آب رفته
است»، «چند پل روستایی در مسیر جاده اهواز - شوشتر
شکسته شده است»، «از کتاب پاروستاها قطع شده است»،
«دوله نفت در مناطق مارون شکست و نفت فراوانی سطح این
رودخانه را پوشانده است» ... (نقل از کیهان - اطلاعات -
انقلاب اسلامی - جمهوری اسلامی - ۲۳ بهمن).

سیل جنوب کشور، که نمداد زیادی از هوپیان مارا از آنچه
بودند فقیرتر کرد و به دامنه نیاز توده‌های زحمتکش جنوب افزود،
اولین بلای طبیعی امسال نیست. زلزله قاتل، که در پائین امسال
صدها نفر را بی‌خانمان کرد، با این حادثه فاصله چندانی ندارد.
اگر نیروهای طبیعت را «آزاده» بپنداریم، روی دادن این
حوادث در کشور ما امری طبیعی است. زیرا ایران به اصطلاح دزیره
کشورهای «بلاخیز» است. سمت کشور در تنوع آب و هوای آن وقوع حوادث
گردناگون را در بر این پهنای امکان پذیر کرده است. انزوی
دیگر ایران روی یکی از کمربندهای زلزله قرار دارد و باین
ترتیب روی دامن زلزله‌های وحشتناک، که در آن در لحظه‌ای
هزاران نفر کشته و صدها دوسا و بخشی از یک شهر ویران شوند،
امر «طبیعی» است.

اگر نیروهای طبیعت را «آزاده» بپنداریم، هر سال باید
دستم صدها نفر در ایران قربانی سیل و زلزله شوند اما نیروهای
طبیعت بطور مطلق آزاد نیستند. در آستانه قرن بیست و یکم،
انسان به یاری علم و آخرین دستاوردهای تکنولوژی هزاران بند
بر این نیروها زده و نیروی ویرانگر آنها را تا حد زیادی مهار
کرده است.

در آستانه قرن بیست و یکم امکان اینکه نیروهای طبیعت
اسیر انسان شوند زیاد است. از این رو پلایای طبیعی را به مستقیم
بسیستم‌های حاکم بر کشورها دارند. در کشورهای پیشرفته‌تر
داری تا آن حد ممکن که طبقات حاکم مجبورند در اندیشه حفظ جامعه
در برابر این پلایای طبیعی باشند، جامعه تاحدودی در مقابل
پلایای طبیعی مجهز شده است. برای مثال در ژاپن، که
مانند ایران یکی از کشورهای زلزله‌خیز جهان است، هرگز
ویرانه‌های قبلی بناهای بدون قاعده علمی که در مقابل زلزله مقاوم
نیافتند، ساخته نشده و برعکس ساخته‌ها بگونه‌ای ساخته شده‌اند
که در مقابل شدیدترین زلزله‌ها هم مقاومت می‌کنند. در کشورهای
سوسیالیستی هم که دولت در خدمت توده‌ها از خود آفت‌ناست، در تقاطع
که با پلایای طبیعی مانند سیل و زلزله مواجه هستند، سد‌ها فراهم
آمده‌اند، کانال‌های «سیل‌بر» زده‌اند و عمارات و ساختمان‌ها بر
مبنای آخرین محاسبات ساخته شده‌اند. هم باین دلیل است که کسی
خبری از کشتار زلزله و سیل مثلاً در اتحاد شوروی نمی‌شنود. اما
هر چه سخت‌تر یاد کشورهای چون ایران است که سالیانه تحت تسلط
بوده‌اند و بازنشینی ویران و کشتو ... است که هنوز تحت تسلط
هستند.

در ایران «آزادپیمایی» کار پهلوی رسیده بود که پلایای طبیعی
برای مردم امری «عادی» شده بود. هر سال در چند نقطه ایران
مردم محروم ما گرفتار سیل و زلزله و زلزله میشدند و رژیم چاب-
پهش شاه مخلوع، که در حرف از ساختن عمارات ضد زلزله و ساختن
سد‌های سیل‌گیر سخن میگفت، کار را بایک بازدید فراموشی شاهانه
و چند دستور قلابی تمام میکرد و تا نزدیک‌های مردم هم توسط
دولان و دزدان در بازارهای مکرر فروخته میشد.

ایران انقلابی، که درست پنجاه سال است از چنین جهشی
دست به انقلاب زده‌واران شهید داد، باید از این دایره تکلیت‌بار
ببرود بیاید. در ایرانی که به شهادت آقای مین‌فر در صاحبه
تلویزیونی «هموم سیل و خوزستان قابل پیش‌بینی بوده»، باید مردم
را برای مقابله باین وضع و با هرواقعه طبیعی دیگری مجهز کرد.
صحت بر سن این نیست که بر مردگان افک بریزیم. ما
بر آنم که باید در اندیشه فردی زنده‌ها باشیم. سخن بر سر این نیست
که با دهمین امروزه ساختمان‌های ضد زلزله و سیل بسازیم. سخن بر

ایران را در برابر «بلاایای طبیعی» مجهز کنیم

اعلامیه سازمان ایالتی
حزب توده ایران در خوزستان

همه به یاری هموطنان سیلزده خوزستان بشتابیم

هموطنان عزیز خوزستانی!

در این روزهای شادی بخش نخستین سالگرد انقلاب شد.
امپریالیستی، ضدیت‌پسندی و خلقی مردم ما به رهبری امام خمینی
متأسفانه به هموطنان عزیز ما در خوزستان دچار مصیبت سیل شده‌اند.
سیل‌ناشی از بارندگی‌های چندروز اخیر در اکثر نقاط و مخصوصاً
در روستاهای خوزستان تلفات جانی و مالی سنگینی بر مردم ستم‌دیده
این منطقه تحمیل کرده‌است. خانه‌های خشتی و گلی که میراث
رژیم ضد مردمی شاه مخلوع است اکثراً ویران و بی‌غیر قابل سکونت
شده‌اند و هر آن خطر بزرگی بقیه آنها را دارد. مردم رنج‌دیده و
زحمتکش مناطق سیلزده که زندگی فلاکت‌باری داشته‌اند، اکنون
آخرین پناهگاه خود را از دست می‌دهند و به کمک فوری شما احتیاج
حیاتی دارند.

سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان از همه گروه‌ها
و سازمان‌های مترقی و شادامپریالیست و مخصوصاً از همه اعضاء و
هواداران حزب می‌طلبد که با تمام نیرو و کمک سیلزده‌گان بشتابند
و اقدامات خود را با ستاد جهاد سازندگی و بنیاد مستضعفین هماهنگ
کنند.

سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان همچنین از
دولت و استانداری خوزستان و ارتش جمهوری اسلامی ایران و شرکت
ملی نفت ایران چدا می‌خواهد که تمام امکانات خود را برای نجات
سیلزده‌گان و کمک به آنان به کار گیرند و علاوه بر کمک‌های فوری،
برنامه‌های انقلابی برای پیشگیری از خطراتی مانند حوادث سیل
و زلزله، که بطور عمده توده‌های میلیونی زحمتکشان مسا را دچار
مصیبت‌های تلفات جانی و مالی چه در زمینه ایجاد سیل‌های انحرافی
و سیل‌بندهای لازم و کافی و لادری کانون و چه در زمینه ایجاد خانه‌های
مقاوم و مناسب برای زحمتکشان روستا و شهر کنونی و به‌مورد اجرا
بگذارند.

سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان آماده است
تا در انجام این وظیفه انقلابی با تمام نیرو همکاری کند. باشد که این
حوادث فشانگر و بیکر تکرار نشود و کوخ‌نشینان خوزستان از فلاکت
مصیبت‌بار کنونی رهایی یابند.

سازمان ایالتی
حزب توده ایران در خوزستان
۲۳ بهمن ۵۸

سرایست که از همین امروز تدارک ببینیم، شرایط اقلیمی کشور را
بررسی کنیم و در همه جا و اول از همه در خوزستان با استفاده از
دانش معاصر را در بر حوادث دردناک آیینم ببندیم
میوان از هم اکنون با تهیه نقشه‌های دقیق و مفصل، با ساختن
کانال‌ها و آبروهای گوناگون، ایجاد سیل‌ها و لایروبی رودخانه
کارون، برای مبارزه با سیلی که فردا جاری خواهد شد، آماده‌شد و از
قدرت تخریبی آن کاست. آنجا که باید مناطق را که در معرض سیل قرار
دارند، شناسایی کرد و خانه‌های آن مناطق، پویز خانه‌هایی را که
ویران شده‌اند، بر اساس موازین علمی بنا کرد و باین ترتیب با سود
چنین اثرجهات غنی دیگر کشورها بر سیل‌مهارد.

به موازات این امر باید باقی‌مانده، به روستاهای خراسان
به پشت لار و به روستاهای قزوین، که زلزله خیزترین مناطق ایران
هستند، رفت. در این مناطق زلزله، هزاران مستضعف را کشتار کرده
است و بازمانده‌گان، بر همان ویرانه‌ها، خانه‌های گلی بنا کرده‌اند.
هر آن زمین بلرزد، کمترین است همین فرجام باشد. با زحمت ایران
نفرق‌یابی خواهند شد. باید در این مناطق هم با استفاده از تجربیات
و دانش‌پسری خانه‌های ضد زلزله و ساختن بر این نیروی جهشی
طبیعت‌مهارد.

بنازم تکرار می‌کنیم، مانی گوئیم که این امر همین امروز
انجام شود. اما تا کیسی کنیم که این امر با پند و دستور رؤی مقامات
مسئول را در بگذرد. غیر از این اگر بشود ما به پیش‌دانی از انقلاب
هزاران زحمتکش را دوسوی تقدیم کرده‌ایم، باقی‌مانده‌ها را می‌خواهد.

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

از انتشارات حزب توده ایران

منتشر شد

ویژه نامه

دنیای

بمناسبت نخستین سالگرد انقلاب بزرگ مردم ایران

در ۲۶ صفحه

تاریخ

حزب کمونیست

اتحاد شوروی

(در دو جلد)

(متن جدید)

(ترجمه جدید)

دوره کامل

(در ۲ جلد)

پوشش

و پاسخ

بخش دوم و سوم

مشئ سیاسی

حزب توده ایران

حزب توده ایران

چگونه میگرد؟

سی و هشت سال مبارزه

بی گزیر در راه استقلال

ملی، آزادی و حقوق

زمنستان

نورالدین کیا نوری

بنیاد آموزش

انقلابی

(درسنامه)

احسان بلیری

افسانه طلایه

ایران (چاپ دوم)

ف.م. جوانبازی

در عراق

چه میگذرد؟

گزارش بلنوم

کمیته مرکزی

حزب کمونیست عراق

سالگرد

درگذشت

رضا روستا

بنیاد سوسیالیستی ایران

وفات رضا روستا، از مبارزان

سرمشای جنبش کارگری ایران،

از ساعت ۳ تا ۵ بهمان روز

سه شنبه ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

کارگران و کارمندان پارک هتل ۳ ماه است حقوق نگرفته اند

۲۱۳ کارگر و کارمند هتل ۳ ماه است حقوق نگرفته اند و در پی راهکارهای جدید برای حل مشکل خود هستند. کارگران و کارمندان هتل پارک هتل ۳ ماه است حقوق نگرفته اند. این مشکل را با مخالفت جنجالی مدیران هتل در بر رفته اند.

اعضای شورای پارک هتل: با اینکه به ما سه ماه است حقوق پرداخت نشده، در حالیکه به ما سه ماه است حقوق پرداخت نشده، در حالیکه به ما سه ماه است حقوق پرداخت نشده...

بهباه به ضد انقلاب نمیدهمیم: یکی دیگر از کارکنان هتل بهمه مشکلات را چنین شرح میدهد. کارگران و کارمندان پارک هتل با اینکه حقوق نگرفته اند...

یکی از اعضای شورا می افزاید: یکی از اوقات کارگران این شرکت با مشکلاتی روبرو هستیم. کارگران و کارمندان پارک هتل با اینکه حقوق نگرفته اند...

خط امام نفی: دشمن هیچگاه خبر خواهد ما نیست و در تماسها و مذاکرات هر قدر هم زیرکی نشان دهیم...



مهر و اسرار فیلم مشترک می سازند!

آیت الله خلخالی: ملت ایران حاضر نیست پول ماهانه به کسانی بدهد که علیه او در خارج و در داخل توطئه می کنند

طول زمان مدخلت در خارج همساران ندارد. ما خلاصه برونه همه آنها را دیدیم و چون ملاک فساد است که آنها را فراری میباشند و هیچ متاسفانه و از دستوری از ایران رفته اند...

دکتر پیمان: چرا دولت اسامی ساواکی ها را منتشر نمی کند؟

اسلامی: اصولا اسامی که در ارتباط با سیاست آمریکا در رژیم گذشته است باید بدون هیچ تاخیری افشا شود. چون این اسامی اگر در دست ما بود...

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

دیداری از ۲ گود پر جمعیت تهران

کوخ نشینان

برای پیروزی قطعی انقلاب ایران لحظه شماری میکنند

نابودی کشاورزی ایران بنفع غارتگران امپریالیست، ساکنین این دو گود را کوخ نشین کرده است.

شهر آنگران دورنیت که توان آنرا دید، هر لحظه که بخار کارخانه برق خزرانه امان دهد، میبواند حداقل روشنائی خانه های شهر را دید.

دکلهای بزرگ برق ولاشهای باقی مانده از دوره پهلوی قدیمی، حفارت محله و اصطلاح خانه های آنرا چشمگیرتر میکنند.

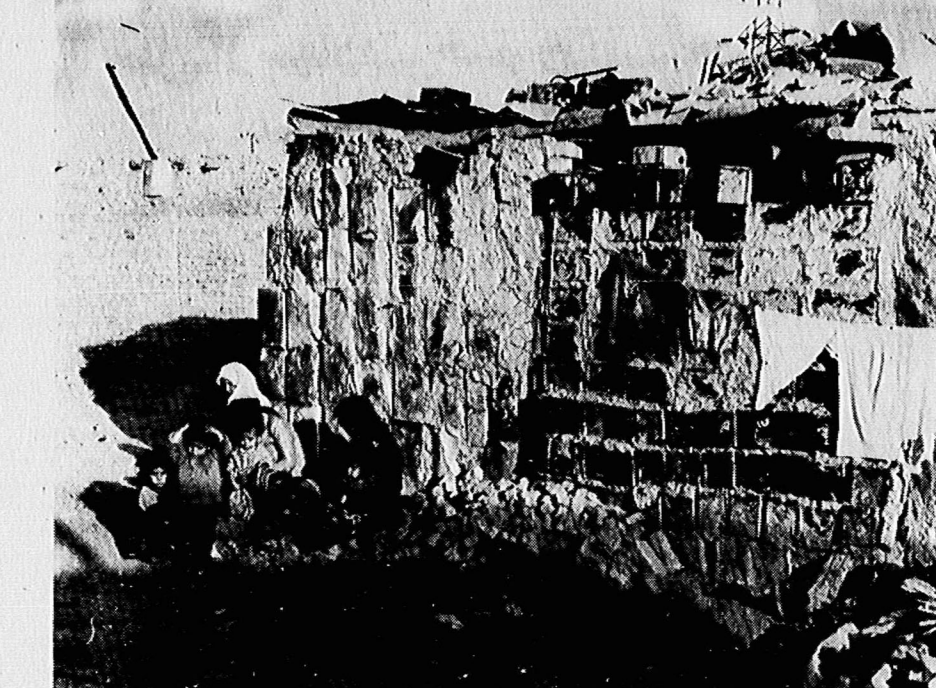
خط امام نفی: دشمن هیچگاه خبر خواهد ما نیست و در تماسها و مذاکرات هر قدر هم زیرکی نشان دهیم...

در مطبوعات کشور: عساکر شاهزاده ننگاراله نوع اول، سائرشاهی ننگاراله...

در مطبوعات کشور: عساکر شاهزاده ننگاراله نوع اول، سائرشاهی ننگاراله...

در مطبوعات کشور: عساکر شاهزاده ننگاراله نوع اول، سائرشاهی ننگاراله...

لیست ساواکی ها را منتشر کنید!



کوخ نشینان، که امام خمینی در سخنرانی های خود از آنها بی وفه یاد می کند و آنها را پشتیبان انقلاب ایران میداند، همینها هستند.

ایران در دین گناه است: در این گناه است که در این گناه است که در این گناه است...

مشکل آب آشامیدنی در اینجا هم وجود دارد: مشکل تأمین آب آشامیدنی در این گناه است...

در این دو گود از ناوایی، خواربار فروش، شیه نفت و... عده توانایی مالی خانواده به...

Table with 2 columns: Item/Category and Price/Value. Includes items like 'از کمتهای رفاذ و دوستان سپاسگزاریم' and 'ج.ج (مربوط به دیماه)'. Prices range from ۱۰۰۰۰ ریال to ۲۰۰۰۰ ریال.

بنیاد جشن سالروز انقلاب: همه روزه از ساعت ۱۰ صبح الی ۶ بعد از ظهر محل برگزاری، نمایشگاه بزرگ، دانشکده های تربیت مدرس، دانشگاه تهران.

لیست ساواکی ها را منتشر کنید!

۶ سال از شهادت خسرو گلبرخی و کرامت دانشیان گذشت

شش سال پیش، در سیدیه دم چنین روزی، رژیم منفرورآریاسری دست به جنایتی دیگر زد و دو تن از بهترین فرزندان خلق ایران را بر چوبه دار بست. دو بهروز که همواره نامشان با هم گره در قلب توده ها خورده است: خسرو گلبرخی و کرامت دانشیان.

گلبرخی شاعری انقلابی و خالقی بود. او از نوادگان هنری سرشار متناسب پاروچیه انقلابیاش برخوردار بود. شعرش همچون پتکی بود پر پشت خفتگان و گلگولهای که بر سینه دژخیمان زمان خود مینشست. او برای شعرش از کارگران، مهربانان شکر رده و از مردم زحمتکش کوچک و بزرگ الهام میگرفت. او در جواب آن عده از شاعرانی که شعر را از محدودی زندگی جامعه خارج کرده و در برج عاج هنر خاص زندگانی میکردند، می گفت:

لطفاً آیهای روشنفکرانه را مثل گاه و علف جلوی ما نریزید. چرا شعر نباید شاعر باشد؟ در حالی که زندگی کمترین شباهتی بخود ندارد، این کرامت است که بدلیل شعر ناب و جوهر سیال شعری سینه چاک بدیده.

شعر او از وجودش میجوشید و او در شعرش نوب میشد. او حماسه زندگی خود را در شعرش میسرود: شب که می آید و بسکوی پست در را به خود میگوید:

من همین فردا کاری خواهم کرد کاری کارستان ...

گلبرخی در ابتدا یک روشنفکر دگرگشت بود که خلافت مارکسیستی لنینیسم را در مبارزه مسلحانه میدانست و بشدت متفون کارهای چریکی بود. اما در حقیقت او شاکت کاملی از مارکسیسم لنینیسم نداشت و آنچه را که به او عرضه شده بود، تنها اندیشه های مسخ شده و دستنویس شسته ای از این ایدئولوژی بود.

دو بهمن سالها بود که او به یک محفل روشنفکری با اصطلاح «مارکسیستی» راه یافت. ولی دیری نمیپایید که به مابیت این مذهب میان بی و با بقول خودش این «دویت کنگهای کافه نشین» برسد. او درباره آنها چنین می گفت:

وقتی پای شعر وادعا در میان است، از لنین هم بلشوئیک ترند، اما اگر به آنها بگویی، خوب رفیق، دیگر وقتش رسیده، این گوی و این میدان، زبان بیند و بازو بگشا، تا گانگ اقله اندعاهای خود بآین می افتند، هزارویک دوژولک لفظ جور می کنند، تا جلزون خودشان را رواجی بدهند.

در زمینه سیاسی نیز داروپیش از هژمان آغاز یک جنبه نیرمند واقع بینی عاری از مذهب و پیشداوری داشت که از صداقت او در منطبق انقلابی ناشی میشد. او در همان زمان در جواب کسانی که سعی می کردند حزب توده ایران را بخاطر این یا آن اشتباهش برایشان کنند، می گفت:

«یک روزی برای تمام ندانم کاریها و اشتباهات یک حزب کافی است.»

او اشتیاق آتشین به بحث برای هر چه بیشتر روشن شدن جهت حرکت جامعه و انقلاب اجتماعی ایران داشت. طرف بحث او گروه های مختلف بودند. در جریان این بحثها بود که متوجه شد عشق به جانبازی انقلابی در این پارتنری و انقلاب مسلحانه، در ناسامدترین لحظات تاریخ دوران ما، او را به ورطه یکتوانیده ایسم انقلابی، که از واقعیت زندگی بندوراست، می کشاند، این تردید او را به جستجوی بیشتر و در اندیشه او، در این تحول فکری، دوستان توده ایاش در فترتین بیابان داشت. او بتدریج به دریای عمیق و گسترده راه انقلاب و آسایش برای انقلاب، راه چریکی نیست. هر قدر

این واقعیت برای او روشن می شد، به دوستان توده ایاش و به ایدئولوژی آنها نزدیک تر میگردد. در این مرحله بود که وی به اتفاق همزبانان کرامت دانشیان، پیام ماورین سازمانت افتاد، و این هنگامی بود که نزدیک به یکسال میشد که او از آن محفل کوچک روشنفکری بریده بود.

پس از شکستهای غیر انسانی، در دلاور خلقی، که با پشتیبانی گروهی که به جلدان کمیته، نه گفته بودند، همراه با چند ژیکوولی سیاسی، که سوگند خورده بودند با موعودین و آرزو ها مسح رژیم خون و شکنجه را بگویند. به بیدار گاه نظامی آورده شدند. رژیم میخواست از این خیمه شب بازی نهایت بهره برداری را بسود خویش بکشد. در اینتامه چنین شد. دویت کنگهای کافه نشین، با پیوستن کمپنتری به مدح این رژیم پرداختند. ظاهراً همه چیز بسود رژیم بود. جریان با اصطلاح محاکمه از علویون پیش میشد و «توری سین» های ساواک، که از لذت دست بهم میساییدند، از زبونی و مستی عصری چند فرمایه توانستند نمایشی برای عبرت دیگران بوجود آورند. اما گلبرخی و دانشیان در این صحنه چنان حماسه ای آفریدند که شمله های آن قبل از هر چیز دایمان خود رژیم را گرفت. وقتی نوبت تهمان درجه اول و درجه دوم، یعنی خسرو و کرامت رسید، پشت گره کرده خسرو، صدای آرام و متین کرامت، بیدار گاه راه نادر گاه محاکمه رژیم جانی تبدیل کرد.

گلبرخی در بیدار گاه شاه از خود دفاع نکرد، او از خلقش دفاع کرد. در دفاعیاتش دیگر از آن اندیشه های پریشان چریکی خبری نبود. او با اراده ای، روزها و واور طمان سخن گفت و همچون یک مارکسیست لنینیست به دفاع از ایدئولوژی خلق خود برخاست.

دفاعیه خسرو در بیدار گاه نظامی شاه، در زیر سربازها، در یک قدمی چوبه اعدام، آرزوی آزادی و وفای بی باک مبارز انقلابی بود. خسرو، مبارزی که در قلب خوین توده ها پدید آمده بود، در سال ۵۲، وقتی هنوز مبارزه خلق زیر پرچم اسلام انقلابی آغاز شده بود، از نقش اسلام حقیقی، سخن گفت. از نزدیک اندیشه مارکس و مطلق یاد کرد. «دولایه» را نخستین سوسیالیست جهان نامید.

این صدای خسرو است که از اصاف بیدار گاه شاه می آید، از فراز سربازها می گذرد، میدان خوین اعدام را بیشتر میگذارد و به قلب توده ها سرزین میکند:

«هر روزی اسلام حقیقی دین خود را به جنبش های ملی ایران ادا می کند و آنچه که خلقها تکرار کردند و میکنند، راه مولا حسین است. به این گونه است که در یک جامعه مارکسیستی، اسلام حقیقی بتواند یک رویتا قابل توجه است و مابیت چنین اسلامی راه اسلام حسی، اسلام مولا علی را تأیید میکند.»

خسرو و کرامت در هر دو جلسه بیدار گاه نظامی، رژیم شاه را رسوا کردند. صدای خلقی آنها، لبخندی که هنگام یاره باقی «ژیکوولهای سیاسی» میزند و استقامت و استواریشان، همه حسابها را سرافک داردم ریخت. خسرو و کرامت، از تلویزیون شاه سخاو به قلب خوین خلق راه یافتند و هنگامیکه دوسر گاه ۲۸ بهمن بر قلبشان سرب نشاندند، آنگو افسانه بودند. وقتی در سرباز گاه خوین ۲۸ بهمن، در خیمه فرمان شلیک داد، خسرو و کرامت در قلب میلیونها ایرانی سرود فتح میخواندند.

وقتی توده ها به میدان انقلاب آمدند، همانا که «گلبرخی» را سبیل انقلاب ایران کرده و در دوزخ ترین شرایط بر سینه گل سرخ زده بودند، در شاعرهای سوزان خود، تصور را چنین نام دادند:

گل پر پر ایران، گلبرخی ...

بختی از دفاعیه و آخرین دفاع خسرو گلبرخی در بیدار گاه نظامی شاه منطوق:

خسرو گلبرخی: ما اسلام حسینی را تأیید می کنیم

من که یک مارکسیست - لنینیست هستم، برای نخستین بار عدالت اجتماعی را در مکتب اسلام جستجو می کنم. به سوسیالیسم رسیدم. من در این دادگاه برای تمام منورم و حتی برای مردم من طرفه ای باقی از خلق و حرمان خلقهای مبارز ایران هستم. خلقی که مزدکها، مازیارها، بابکها و یعقوب لیث ها، ستارها و حیدر عموغلیها، سیانها و میرزا کوچکها، ارانیها، روزبهها و وارطانها داشته است. آری، من برای جانم چانه نمیزنم، چرا که فرزند خلقی مبارز و دلاور هستم.

از اسلام سخنم را آغاز کردم. اسلام حقیقی در ایران همواره دین خود را به جنبش های رهایی بخش ایران پرداخته است. سید عبدالله بیهبانیها، شیخ محمد خیابانیها نمودار مهادت خلقهای ما هستند که امروز نیز اسلام حقیقی دین خود را به جنبش های آزادی بخش ملی ایران ادا می کند. هنگامی که مارکس می گوید:

«فر و گرمسنگی و فلاکت درسوی دیگر، در حالیکه مولد ثروت طبقه محروم است.» و مولا علی می گوید: «قصری بر ما نشود مگر آنکه هزاران نفر فقیر گردند.» نزدیک های بسیاری وجود دارد. چنین است که من توان در لطفه ای از تاریخ از مولا علی به عنوان نخستین سوسیالیست جهان نام برد و نیز از سلمان پارسیها و ابانز غفاریها.

زندگی مولا حسین نمونه زندگی کنونی ما است که جان بر تک برای خلقهای محروم میهن خود در این دادگاه محاکمه می شویم. او در دادگاه بود و یزید، بارگاه، قنون و حکومت و قدرت داشت. او ایستاد و شهادت شد. هر چند که یزید گوشه ای از تاریخ را اشغال کرد، ولی

من که یک مارکسیست - لنینیست هستم و به شریعت اسلام ارج می گذارم و عقیده ام را که برای آن می میرم، با صدای بلند فریاد میزنم که: در هیچ کجای دنیا، با کشورهای وابسته و تحت سلطه استعمار چون کشور ما، حکومت واقعا ملی نمیتواند وجود داشته باشد، مگر آنکه نسبت یک زیربنای مارکسیست در جامعه موجود آید.

من که یک مارکسیست - لنینیست هستم و به شریعت اسلام ارج می گذارم و عقیده ام را که برای آن می میرم، با صدای بلند فریاد میزنم که: در هیچ کجای دنیا، با کشورهای وابسته و تحت سلطه استعمار چون کشور ما، حکومت واقعا ملی نمیتواند وجود داشته باشد، مگر آنکه نسبت یک زیربنای مارکسیست در جامعه موجود آید.

من که یک مارکسیست - لنینیست هستم و به شریعت اسلام ارج می گذارم و عقیده ام را که برای آن می میرم، با صدای بلند فریاد میزنم که: در هیچ کجای دنیا، با کشورهای وابسته و تحت سلطه استعمار چون کشور ما، حکومت واقعا ملی نمیتواند وجود داشته باشد، مگر آنکه نسبت یک زیربنای مارکسیست در جامعه موجود آید.

من که یک مارکسیست - لنینیست هستم و به شریعت اسلام ارج می گذارم و عقیده ام را که برای آن می میرم، با صدای بلند فریاد میزنم که: در هیچ کجای دنیا، با کشورهای وابسته و تحت سلطه استعمار چون کشور ما، حکومت واقعا ملی نمیتواند وجود داشته باشد، مگر آنکه نسبت یک زیربنای مارکسیست در جامعه موجود آید.

من که یک مارکسیست - لنینیست هستم و به شریعت اسلام ارج می گذارم و عقیده ام را که برای آن می میرم، با صدای بلند فریاد میزنم که: در هیچ کجای دنیا، با کشورهای وابسته و تحت سلطه استعمار چون کشور ما، حکومت واقعا ملی نمیتواند وجود داشته باشد، مگر آنکه نسبت یک زیربنای مارکسیست در جامعه موجود آید.

من که یک مارکسیست - لنینیست هستم و به شریعت اسلام ارج می گذارم و عقیده ام را که برای آن می میرم، با صدای بلند فریاد میزنم که: در هیچ کجای دنیا، با کشورهای وابسته و تحت سلطه استعمار چون کشور ما، حکومت واقعا ملی نمیتواند وجود داشته باشد، مگر آنکه نسبت یک زیربنای مارکسیست در جامعه موجود آید.

من که یک مارکسیست - لنینیست هستم و به شریعت اسلام ارج می گذارم و عقیده ام را که برای آن می میرم، با صدای بلند فریاد میزنم که: در هیچ کجای دنیا، با کشورهای وابسته و تحت سلطه استعمار چون کشور ما، حکومت واقعا ملی نمیتواند وجود داشته باشد، مگر آنکه نسبت یک زیربنای مارکسیست در جامعه موجود آید.

برگی از دفتر یادداشت های روزانه دیدار با «خسرو» در دروازه غار



این عکس که برای اولین بار چاپ میشود، روز ۱۹ اسفند ۱۳۵۱ در مرکز رفاه خانواده واقع در دروازه غار گرفته شده است. در عکس، از چپ بر راست علی اشرف درویشیان، خسرو گلبرخی و فریدون تنکابنی دیده میشوند.

شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۵۱

هرگز آرزوی من این زودی بر آورده نشد. در جمعه پیش که با چند تن از دوستان به دروازه غار رفتم، آرزو کرده بودم آشنایی آنجا پیدا کنم که به کمک او آنجا را بهتر بشناسم و هم بتوانم برای کودکان و جوانان آنجا کاری کنم.

چهارشنبه که به انتشارات نمونه رفتم، با یکی از مدیران رفتم. رفتم دعوتی بود از من گرفتار خانوادۀ دروازه غار. برای دیدن نمایشنامه ای که جوانان محل، خود به صحنه آورده بودند.

انتقادها را به من دادند. پنجشنبه بهمن از ظهر با درویشیان رفتم. گفتم و گفتیم تا مرکز رفاه خانواده را پیدا کردیم و تو رفتم. گرم و صمیمی تحولمان کرد گفتند و زود خودمان رفتیم. این جوانان، از دختر و پسر، و اولادها دارند اینجا کار می کنند. خودشان می گفتند که البته از برای هم ما آموزشگاه خدمات اجتماعی دارند و دانشجویان آنجا برای کارورزی به اینجا می آیند، اما بیشترشان فقط به فکر نمره اند، و این کار هم برایشان مانند سایر کارهاست، برای به دست آوردن لسانس.

تاساعت اجرای نمایشنامه برسد، رفتم طبقه بالا، به کتابخانه.

بالای قفسه ها مقدار زیادی کتاب روی هم ریخته بود. پرسیدم که آنجا چیست؟ گفتند که قانون پرورش فکری کتابهایی را که منتهی میشود، در اینها می ریزد، ما میرویم و از شان میگیریم و می آوریم. هنوز فرصت نکرده ایم که برگردیم. من در درویشیان گفتم که شبی آیم و آنجا را از آن بالا پایین می آوریم و می برگردیم. بعد یوازی تصویر صند زده بودند که ای بسیار خوب گویا، از یکی از قفسه ها او را انتخاب کرده و کتابش نوشته بودند.

گفتم، هر چه رو تاب مستوری ندارد، در ادبندی، آرزو کردن بر آرد، هر چه دستگامهای رسمی راه بر حقیقت و متادبان حقیقت بندند، آنها از جای دیگری راه بازمی کنند و سر بر می آورند.

خسرو هم آمده بود. کلی گفتم و درددل کردیم. می گفت:

«دو تنی که کسی می گوید تیر از کتاب دور ایران دو هزار تا است، میخواهم شکمش را پاره کنم. چه کسی می گوید کتاب در ایران خریدار ندارد؟ آزاد بگذارند، تیر از به صد هزار می رسد. وقتی که در دوسه روز، دوسه هزار نسخه کتاب به فروش می رسد، صد هزار افراق نیست. این کتاب های فلاسفی

دست بنماگر ضحاک زمان کند زین همه و لفظان رفت به تاراج خزان ای که تا لحظه آخر نشانی نام مست جان بکف در بر طوفان الم همچون کوه خیم اگر دوخت به سنجاق مست نای ترا همه ذرات تو در مضی اهریمن جور نکت بود گسوا غم تنهائی تو غم مردان دلبری که فزادند پناک هه اگر کند ز دلهای همه بخان امید نند از وحشت سربزه ضحاک زبسان چون اساطیر کهن از دل اعداد و فزون عد پر آوازه جهان زبمه پای و شرف

دک. ایمان ماهیپوروی جنبش نوین ایران و سرسراچوابع طبقاتی جهان، نظیر ترین قدرت است. اینترنم بگویم که مارکسیسم هیچگاه مورد پذیرش آید طبقات حاکم و وابستگان آنهاست ...

دک. ام. ک. ۱۳۵۲

دک. ام. ک. ۱۳۵۲

دک. ام. ک. ۱۳۵۲

دک. ام. ک. ۱۳۵۲

دک. ام. ک. ۱۳۵۲

دک. ام. ک. ۱۳۵۲

دک. ام. ک. ۱۳۵۲

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق